



بسمه تعالی

گزارش چکیده پایان نامه / رساله  
فارسی و انگلیسی



نام و نام خانوادگی دانشجو:	حکمت الله قادری	رشته تحصیلی:	روابط بین الملل	مقطع تحصیلی:	کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع:	۱۴۰۲/۴/۲۶
نام استاد راهنما	دکتر محمود گنج بخش	نام استاد مشاور	دکتر احمد رضا بردبار	نام استاد/ اساتید داور	دکتر نیما رضایی و دکتر محمد بابایی		
عنوان پایان نامه/ساله:	نقش پاکستان در قدرت گیری مجدد طالبان از منظر حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان						
بیان مسأله پژوهش	<p>یکی از بازیگران اصلی در قدرت گیری مجدد طالبان در افغانستان، جمهوری اسلامی پاکستان است. به لحاظ قلمرو جغرافیایی؛ پاکستان در جنوب غرب آسیا واقع شده و حکم پل ارتباطی را دارد که جنوب غرب آسیا را به جنوب شرق آسیا متصل می سازد و از طرف شمال ۲۴۲۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، پاکستان بزرگترین خطر امنیت جنوب غرب آسیا و صلح بین الملل است. این کشور محرک اصلی ارباب گری مانند فروپاشی ها، خشونت ها، اعمال تروریستی و به عنوان یک همسایه بد، مسئول آموزش و تمویل تروریست های اسلام گرایان افراطی بوده است. بنابراین چنین فضایی قطعاً بر محیط پیرامونی همسایگان به ویژه افغانستان تأثیر گزار می دارد و در میان همسایگان افغانستان، روابط پاکستان و افغانستان از پیچیده گی های زیادی برخوردار است. پاکستان در تحولات افغانستان نقش مهمی ایفا کرده است.</p> <p>در دهه ۱۹۸۰ با حمایت همه جانبه ایالات متحده آمریکا از پاکستان، نقش این کشور در مبارزه علیه شوروی سابق در خاک افغانستان با تجهیز و سازماندهی بخش از مجاهدین آغاز گردید و با شکست شوروی حمایت های پاکستان از طالبان در سال ۱۹۹۴ زمینه را برای به قدرت رسیدن این جنبش فراهم کرد.</p> <p>در ابعاد جدید، مهم ترین مسئله که نقش پاکستان را در تحولات افغانستان برای سایر کشورها مهم جلوه میدهد، توسل پاکستان به هر ابزاری جهت بی ثباتی افغانستان است. پاکستان سرمایه گزاری خود را بر روی طالبان، عموماً به عنوان سرمایه استراتژیک در مقابل هند و افغانستان و مخصوصاً با چشم انداز روی کار آوردن رژیم دوست در افغانستان، محدود کردن نفوذ سیاسی هند در آن کشور، خنثی کردن مخالفت ناسیونالیستی پشتون های افغانستان با خط مرزی دیورند و مدیریت منافع و نفوذ پاکستان در آسیای مرکزی می بیند.</p> <p>ریشه طالبان، به عنوان گروهی که بدنه اصلی آن را قبایل پشتون تشکیل می دهند به مدارس مذهبی پاکستان بر می گردد که هم واره مستظهر به حمایت آی. اس. آی. سازمان اطلاعات ارتش پاکستان، بوده اند. طالبان در بدو تأسیس هدف اعلامی خود را تأمین امنیت و ثبات و از بین بردن بی بند و باری موجود در</p>						

حکومت مجاهدین عنوان نمود. در واقع، پس از متوقف شدن کاروان اموال تجارتهی مربوط به تاجار پاکستانی توسط فرماندهان خود سر مجاهدین که به مقصد آسیای میانه در حرکت بود، طالبان از مرز چمن پاکستان وارد اسپن بولدک در خاک افغانستان شدند و در مراحل آغازین ولایت قندهار را به تصرف خود درآوردند. بنا براین، می توان گفت که گروه طالبان باریشه قومی پشتون، گروهی از طلبه های دینی مدارس پاکستان بودند که در سال ۱۳۷۳ به رهبری ملامحمد عمر و با حمایت سازمان اطلاعات و ارتش پاکستان، قدرت را در قندهار به دست گرفتند و با تسلط بر کابل در سال ۱۳۷۵ و تصرف شمال در سال ۱۳۷۶، تحت عنوان امارت اسلامی تاسال ۱۳۸۰ بر این کشور حاکم شدند.

پس از حملات ۱۱ سپتامبر به مرکز تجارت جهانی در نیورک، طالبان به درخواست ایالات متحده آمریکا مبنی بر تحویل دادن اسامه بن لادن، رهبر پیشین القاعده و قعی ننهاد. متعاقباً در ۷ اکتبر سال ۲۰۰۱ (۱۵ مهرماه ۱۳۸۰)، ایالات متحده عملیات آزادی پایدار را آغاز نمود و حملات نظامی به افغانستان را کلید زد. در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ (۲۲ آبان ۱۳۸۰) به واسطه حملات شدید ایالات متحده و حمایت مجاهدین کنترل کابل پایتخت افغانستان از دست طالبان خارج شد. اگرچه تصور می شد که طالبان و القاعده نابود شدند، لکن بر خلاف عامه مردم و نخبگان، مجدداً به صحنه سیاسی افغانستان بازگشتند. علی رغم حضور سنگین نیروهای بین المللی در افغانستان، خشونت ها و ناآرامی ها در این کشور افزایش یافت و گروه طالبان روز به روز قدرت مندتر شده و توانیست چالیش های جدی برای نیروهای خارجی و دولت افغانستان ایجاد کند.

به دنبال اعلام سیاست دولت بایدن در مورد افغانستان و اعلام قصد ایالات متحده مبنی بر خروج از افغانستان در میانه سال ۲۰۲۱ میلادی، طالبان حملات گسترده ای را ترتیب داد که منجر به کنترل بیش از نیمی از ۴۲۱ ولسوالی افغانستان تا ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۱ گردید. در مرحله نخست، طالبان با پیشروی در مناطق روستایی، تعداد ولسوالی های تحت کنترل خود را از ۷۳ به ۲۲۳ افزایش دادند. تا ۱۰ اوت طالبان بر ۶۵٪ از قلمروی افغانستان تسلط پیدا کردند. در ۶ - ۱۵ اوت، نیروهای طالبان ۲۹ مرکز ولایات از جمله قندوز و هرات را اشغال کردند و در پی آن ۱۵ اوت ۲۰۲۱ (۲۴ اسد ۱۴۰۰) رئیس جمهور اشرف غنی از کشور فرار کرد و طالبان پس از ۲۰ سال مجدداً کنترل افغانستان را بدست گرفتند.

روش پژوهش:

روش پژوهش:

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد.

جامعه و نمونه و شیوه نمونه گیری: ندارد

ابزار و روش گردآوری داده ها:

داده های پژوهش از منابع کتابخانه ای و وب محور (اینترنتی) جمع آوری شده است.

<p>روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد.</p>	
<p>پرسش‌های پژوهش</p> <p>پرسش اصلی</p> <p>- پاکستان چه نقشی را در قدرت‌گیری مجدد طالبان در افغانستان در سال ۲۰۲۱ ایفا نمود؟</p> <p>پرسش‌های فرعی</p> <p>- اقدامات پاکستان چگونه موجب نقض حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان گردید؟</p> <p>- عوامل داخلی موثر در قدرت‌گیری مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ کدامند؟</p> <p>فرضیه اصلی</p> <p>پاکستان بواسطه کمک‌های مستقیم نظامی، لجستیکی، مالی و تسهیل ورود جنگ‌جویان به خاک افغانستان نقشی مستقیم را در قدرت‌گیری مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ ایفا نمود.</p> <p>فرضیه‌های فرعی</p> <p>فرضیه فرعی یک</p> <p>دخالت‌های مستقیم پاکستان در قدرت‌گیری مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ موجب کم‌رنگ شدن نقش مردم افغانستان گردید و در نتیجه حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان را نقض نمود.</p>	<p>سوال و فرضیه تحقیق:</p>

فرضیه فرعی دوم:

ضعف دولت مرکزی، ضعیف بودن نهاد زور(ارتش افغانستان)، ناتوانی دولت افغانستان در حل معضلات اقتصادی، وجود فساد ساختاری، کم‌رنگ شدن نقش مجاهدین در ساختار نظامی - امنیتی و فرصت طلبی برخی از جریان‌های سیاسی افغانستان از مهمترین عوامل داخلی موثر در قدرت‌گیری مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ بودند.

روند پژوهش:

- اول: انتخاب موضوع
- دوم: انتخاب بیان مسئله
- سوم: ضرورت و اهمیت انجام پژوهش
- چهارم: پیشینه پژوهش
- پنجم: نوآوری‌های پژوهش
- ششم: اهداف پژوهش
- هفتم: پرسش‌های پژوهش
- هشتم: فرضیه‌های پژوهش
- نهم: روش‌شناسی پژوهش
- دهم: تعریف مفاهیم و واژه‌گان کلیدی

## نتیجه گیری

افغانستان تاریخی تلخی را در قرن بیستم تجربه نموده است. سقوط نظام پادشاهی در این کشور، روی کار آمدن کمونیست ها، اشغال شدن توسط ارتش سرخ شوروی، جنگ داخلی مجاهدین اسلامی که از سوی کشور های همسایه، منطقه و آمریکا حمایت می شدند با دولت کمونیستی، تشکیل دولت مجاهدین و انگاه جنگ داخلی میان گروه های مجاهدین با یکدیگر که به تضعیف آن ها انجامید و منجر به روی کار آمدن طالبان، این اسلام گرایان افراطی سلفی مورد حمایت پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی شد و پناه گرفتن گروه القاعده در سایه طالبان که حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر را بوجود آوردند که در نهایت حاصل این رخداد، حمله آمریکا و دیگر کشور های غربی به افغانستان برای شکست طالبان گردید و تشکیل دولت جدید افغانستان به رهبری حامد کرزی تنها گوشه های از تحولات افغانستان می باشد که همواره آتش جنگ و ویرانی در آن کشور بوده است. پس از ایجاد دولت جدید افغانستان، دخالت کشور های بیگانه به ویژه پاکستان در این سرزمین، پیامد های جز قدرت گرفتن دوباره طالبان نداشته است و همین قدرت گیری مجدد طالبان، دولت افغانستان و نیروهای خارجی به ویژه آمریکا را مجبور به مذاکره با بخش میانه روی طالبان نموده است تا با شریک کردن به قدرت دولت بتوانند زمینه ای برای ایجاد امنیت و آرامش در افغانستان به وجود آورند، موضوعی که مذاکراتی را میان نیرو های در گیر در افغانستان به پیش کشیده است که تا به حال نتیجه ای در بر نداشته و بالاخره در سال ۲۰۲۱ جوبایدن به عنوان رئیس دولت آمریکا انتخاب گردید و در سخنرانی که در اول می تاریخ ختم خروج در چهار چوب توافق نامه دوحه انجام داد تعهد کرد بر توافق نامه دوحه صادق میماند و تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ تمام نیروهای خود را از افغانستان خارج می کند. بعد از این سخنرانی طالبان به جای مذاکره با حکومت افغانستان به حملات خود شدت بخشیدند در نتیجه حملات طالبان کنترل اکثر مناطق کشور را بدست گرفت و با فرار رئیس جمهور سابق افغانستان محمد اشرف غنی از کشور طالبان در حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان وارد کابل شد و یک بار دیگر قدرت را بدست گرفتند. در نتیجه گیری کلی برای آزمون این فرضیه، نقطه عزیمت، توجه به شرایط قدرت گیری دوباره طالبان در برابر دولت افغانستان است. در این خصوص باید اذعان داشت که در قدرت گرفتن دوباره نیروهای اصلی معارض دولت افغانستان، یعنی طالبان، باید گفت، حمایت های ارائه شده به وسیله حکومت پاکستان و شبکه های بنیاد گرا به شکل پناهگاه ها و حمایت های ایدئولوژیک و لاجستیک، یکی از مهمترین عوامل در احیای مجدد طالبان بوده است.

که این اقدامات پاکستان علیه مردم افغانستان، نقض حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان بوده است.

چون از این اصل به عنوان حق توسعه یا تجلی بعضی از اصول اساسی در حقوق بین الملل یاد می کنند. اسلام که آیین رحمت و رافت، دین خاتم و اکمل، عرفان و ادیان الهی است. قرآن و مضامین عالی آن دربردارنده اصول و ارزش های عام انسانی حقوق بشر؛ عدالت، انصاف، تساوی و نماد حکمت و معرفت است.

اصولی که به حق خدشه ناپذیر آزادی و اختیار، استقلال و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش تاکید دارد و ارزش های انسانی را از اصول دینی می داند که خدای متعال، مردم را به رعایت آن ها رهنمون و دعوت می کند. حکومت موثر باید در قبال حقوق بنیادین شهروندان پاسخگو باشد و آزادی های و حقوق اساسی آنها، نظیر حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و حق برگزاری انتخابات و شرکت در آن را به رسمیت بشناسد.

خداوند متعال در قرآن کافر شکن خود می فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیر ما بانفسهم. سوره الرعد: آیه ۱۱. خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغیر نمی دهد، مگر آنکه خود آن ها تغیر دهد.

باتوجه به منشور ساز مان ملل متحد، میثاق حقوق سیاسی و مدنی، اعلامیه جهانی وین ۱۹۹۳ و اعلامیه های مجمع عمومی ساز مان ملل متحد از جمله اعلامیه های (۱۵۴۱، ۱۵۱۴، و ۲۶۲۵) حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان از اصول اساسی حقوق بین الملل بوده و به مفهوم حقوق برابر و منصفانه مردم در تعیین حاکمیت و وضعیت سیاسی خود بدون هرگونه اجبار و مداخله خارجی می باشد.

پاکستان بواسطه کمک های مستقیم نظامی، لجستیکی، مالی و تسهیل ورود جنگ جویان به خاک افغانستان نقشی مستقیم را در قدرت گیری مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ ایفا نمود.

با توجه به قوانین شرعی و وضعی اقدامات پاکستان علیه مردم افغانستان نقض حق تعیین سرنوشت مردم افغانستان محسوب می شود.

تائید استاد راهنما

